



حسینیان در خط عاشورا

محمد حسن نبوی

شناساندن آن از ایجاد انحراف در این حرکت عظیم که میزان تنظیم جریانات تاریخی شیعه می باشد جلوگیری کرده تا زمینه های بروز فاجعه ای دیگر فراهم نگردد.

شناخت دقیق و صحیح عاشورا در ابعاد مختلف و ترویج آن، حرکت های مربوط به عاشورا را در خط عاشورا به جریان می اندازد که چیزی جز خط احیاء اسلام ناب نیست.

در جریان عاشورا شاخصه هایی مطرح گردیده که بررسی آنها سنگ بنای حرکت در این خط نورانی است که به اهم آنها اشاره می شود:

بازشناسی جریان کربلا و نگاه ژرف و عمیق به این برهه سرنوشت ساز تاریخ اسلام ضرورتی است برای شیعیان مخلص و مسئولیت شناس، خصوصاً مبلغان دین، که از سویی وظیفه شناخت معارف دینی را بر دوش داشته و از سوی دیگر نشر و گسترش اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بر عهده آنان است.

اگر از صدر اسلام، مسلمانان وظایف خویش را می شناختند و دست نامحرمان را از حریم دین جدا می کردند. و انحراف، کج فهمی و بیراهه باب نمی گشت. عاشورایی رخ نمی داد. و اکنون نیز بر همه منادیان حق و توحید لازم است که با شناخت عاشورا و

۱. احیاء ارزشهای دینی

قیامها و انقلابهایی که در طول تاریخ بشر شکل گرفته، هر کدام با انگیزه‌هائی رخ داده و به دنبال دستیابی به اهدافی بوده است؛ این اهداف گاهی الهی - انسانی بوده و در موارد بسیاری ستمگران به دلیل مقاصد نفسانی و جاه طلبیها جنگهای فراوانی راه انداخته و ظالمانه بر جوامع حاکم گشتند. و گسترش فساد را از اولویتهای اهداف ننگین خود قرار دادند.

امام حسین علیه السلام برای تبیین انگیزه قیام خویش اهداف خاصی را بیان کرده‌اند که می‌توان از باب نمونه به وصیت نامه ایشان به محمد ابن حنفیه استناد کرد. آن حضرت چنین می‌نگارند:

«... وَأَنِّي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِرَّةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؛^۱ من از روی خودکامگی و سرمستی و گسترش فساد و ستمگری قیام نکردم بلکه فقط برای اصلاح در امت جدّم بپا خواستم و مقصودم امر به معروف و نهی از منکر است من بر اساس سیره جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پدرم

علی ابن ابیطالب علیه السلام عمل خواهم کرد.»

اینجا حضرت هدف خویش را احیاء سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام معرفی می‌کنند.

۲. مبارزه با بدعت

وجود خطا و انجام خلاف شرع در بین آحاد جامعه همیشه وجود داشته، حتی در زمان حکومت معصومین علیهم السلام، وجود گناه و خطا انکارناپذیر است دلیل آن آیات فراوانی است که در مورد خطاها و گناهان منافقین است همچنین خطبه‌ها و نامه‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در مورد اشتباهات و گناهان اصحاب آن حضرت صادر شده است.

تنها ویژگی حکومتهای صالحان و معصومین جلوگیری از علنی شدن و بروز گناهان است؛ اما از این مسئله، حساس تر و خطرناک تر بدعت گذاری است. بدعت به معنای انجام گناه و یا علنی شدن گناه نیست بلکه مسئله‌ای را بر خلاف شرع جزء دین جلوه دادن است که از گناهان کبیره بوده، و وظیفه هر عالم متعهدی، مبارزه جدی و بی‌امان با آن می‌باشد.

رویارویی با بدعت تا آنجا اهمیت

۱. بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ لِتَكُونَ كَلِمَةً اللَّهُ هِيَ الْعَلِيَا؟
 ای فرززدق! اینان قومی هستند که اطاعت
 شیطان را برگزیده و اطاعت خداوند
 رحمان را ترک کردند، فساد در زمین را
 آشکار ساخته حدود شرعی را باطل کرده
 مسکرات نوشیدند اموال فقراء و مساکین را
 به نفع خود برداشتند و من در قیام برای
 یاری دین خدا و عزت بخشیدن به دین او
 و جنگ در راه خدا از دیگران سزاوارترم تا
 نام خدا به پیروزی رسد.»

همچنین می فرماید:

«... الْأَتْرُونَ إِلَى الْحَقِّ لِيَعْمَلَ بِهِ وَالْأَسَى
 الْبَاطِلِ لِيَتَنَاهَى عَنْهُ لِيَتَرَعَّبَ الْمُؤْمِنِينَ فِي لِقَاءِ
 رَبِّهِ حَقًّا حَقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً
 وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا؟»

آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود
 و باطل طرد نمی گردد. حقیقتاً مؤمن باید به
 مرگ راغب باشد هر آینه من مرگ را جز
 سعادت، و زندگی با ظالمان را جز زجر و
 شکنجه نمی بینم.»

۱. موسوعه کلمات الامام الحسين عليه السلام،

ص ۳۱۵.

۲. همان، ص ۳۳۷.

۳. بحار الانوار، چاپ بیروت، جلد ۴۴،

ص ۳۸۱.

دارد که ابا عبدالله الحسين عليه السلام یکی از
 دلایل مهم قیام خود را مبارزه با بدعت و
 احیاء سنت نام برده در نامه‌ای که به برخی
 از بزرگان می نویسد اینچنین بیان می کنند.
 «... وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ ﷺ
 فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتْ وَ
 إِنَّ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ
 الرَّشَادِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ؛»

من شما را به کتاب خدا و سنت
 پیامبر ﷺ دعوت می کنم زیرا سنت
 نابود شده و بدعت زنده گشته است اگر
 سخمن را بشنوید و از من اطاعت کنید شما
 را به راه رشد و بالندگی هدایت می کنم،
 درود و رحمت خدا بر شما باد.»

۳. رویارویی با گسترش فساد

یکی از مسائل مهم دیگری که در
 کلمات امام حسین عليه السلام به عنوان انگیزه
 انقلاب کربلا مطرح شد مبارزه با
 گسترش فساد و گناه است، در این باره
 ابا عبدالله الحسين عليه السلام می فرماید: يَا
 فَرَزْدَقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَرِهُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ
 تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ وَأَظْهَرُوا الْقَسَادَ فِي
 الْأَرْضِ وَابْطَلُوا الْحُدُودَ وَشَرَبُوا الْخَمُورَ وَ
 اسْتَأْتَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَأَنَا
 أَوْلَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَإِعْرَازِ شَرْعِهِ وَ

۴. جان دادن برای دین خدا و احیاء

حق

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های کربلا درس جانبازی در راه دین، و همه جاذبه‌های دنیوی را در مسیر رضای الهی به هیچ انگاشتن است. آدمی به جان خویش بیش از همه عشق می‌ورزد و هر چیز را برای جاننش می‌خواهد اگر حاضر شد از این عزیزترین، برای مقصودی بگذرد بایستی آن چیز را مهم‌ترین هدف در دیدگاهش دانست.

امام حسین علیه السلام در مسیر احیاء حق، اهداء جان و پذیرش مرگ را بسیار ساده و آسان می‌شمارد.

آن حضرت می‌فرماید:

«لَيْسَ شَأْنِي شَأْنَ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ مَا أَهْوَى الْمَوْتَ عَلَى سَبِيلِ الْعِزِّ وَ إِحْيَاءِ الْحَقِّ لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةٌ خَالِدَةٌ لَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الدُّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ أَفِي الْمَوْتِ تُحَوِّقُنِي... هَلْ تَقْدِرُونَ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ قَتْلِي مَرَحَبًا بِالْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَيَّ هَذَا مَجْدِي وَمَسْخُورِي عِزِّي وَسُرْفِي فَإِذَا لَا أَبَالِي بِالْقَتْلِ؛^۱

در شخصیت من، ترس از مرگ جایگاهی ندارد مرگ در راه عزت و احیاء

حق چه آسان است. مرگ در راه عزت جز حیات جاویدان نیست و زندگی با ذلت جز مرگ بدون زندگی نخواهد بود آیا مرا از مرگ می‌ترسانید؟ ... آیا بالاتر از کشتنم چه می‌توانید کرد؟! آفرین بر کشته شدن در راه خدا ولی بدانید هرگز نمی‌توانید عظمت مرا بشکنید و عزت و شرف مرا از بین ببرید پس باکی از کشته شدن ندارم.»

کربلا جریان یا رویداد

از آنجا که ابا عبدالله الحسین علیه السلام به عنوان پیشوای سوم شیعیان و حجت خدا است اگر حرکتی را در بستر زمانی خاص انجام داده بر همه پیروان و شیفتگان آن حضرت لازم است در آن مسیر حرکت کنند. همچنین بر اساس معارفی که از زیارات درمی‌یابیم همگی وظیفه مندیم که تا قیامت او و یارانش را دوست داشته و با دشمنانش همواره در ستیز و دشمنی قرار گرفته و با این دوستی و دشمنی به خدای بزرگ تقرب جوئیم.

در زیارت امام حسین علیه السلام در عاشورا چنین آمده است: «وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمَوَالِيَتِكُمْ وَمُؤَالَاةٍ وَلِيَّتِكُمْ وَ

۱. موسوعة كلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۳۶۰

هرگز بیعت نخواهد کرد.»

حضرت این گونه بیان می‌کند که این دو شخصیت کاملاً متفاوت از جهت فکر، ایمان و عمل در هیچ جایی نمی‌توانند با یکدیگر همراه شوند و این، محدوده زمانی و جغرافیایی نمی‌شناسد. و یا در جمله *أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ...* که در صفحات قبل ذکر شد، حضرت می‌فرماید: «وقتی در جامعه‌ای به حق عمل نشود و از باطل نهی نگردد مؤمن به حق باید آرزوی مرگ کند.» این جملات هرگز محدوده زمانی و مکانی نمی‌شناسد و این پیامها و مفاهیم، کربلا را به صورت یک جریان درمی‌آورد.

ما برای آنکه عاشورا را در خط عاشورا نگه داریم و وظیفه داریم که از سویی پیامهای عاشورا را به خوبی بشناسیم و از سوی دیگر آنرا محدود در چهارده قرن قبل و به عنوان یک رویداد تلقی نکنیم بلکه جریان پویای عاشورا را ترسیم و به مردم بگوییم که جایگاه خویش را در این جریان بیابند؛ وظیفه خود را بشناسند و به آن وظیفه عمل کنند.

پیامهای اساسی عاشورا که احیاء ارزشهای مبارزه با بدعت و فساد و تباهی و جان دادن برای احیاء حق و عزت بود باید به خوبی برای مردم ترسیم و آفتهای هر

بِالتَّبْرَأَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّنَاصُبِ لَكُمْ الْحَزْبِ وَ
بِالتَّبْرَأَةِ مِنْ أَشْيَاءِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ
سَأَلْتَكُمْ وَحَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ
وَلَاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ؛ و به خداوند
تقرب می‌جویم، سپس به شما تقرب
می‌جویم با دوستی شما و محبت دوستان
شما و با دوری و بیزاری از دشمنان شما و
کسانی که در مقابل شما جنگ بپا کردند و با
بیزاری از پیروان و همراهان آنان. من با
کسانی که با شما مسالمت داشته باشند
تسلیم هستم و با کسانی که با شما بجنگند
در جنگم و دوست دوستان شما و دشمن
دشمنانتان هستم.»

نتیجه آنکه قضایای کربلا محدودۀ
جغرافیایی و عصری را در می‌نوردد و
رودی خروشان در بستر تاریخ جاری
می‌کند که همواره قطرات زلال انسانهای
پاک را به جمع خویش پیوند می‌دهد و نوید
حیات پاک و خداجویی به سرزمینهای
دیگر می‌رساند.

امام حسین علیه السلام جریان بودن کربلا را
در فرازهایی از سخنانش این گونه ترسیم
می‌کند. ابتدا خود و دودمان پاکش را معرفی
می‌کند، سپس چهره ننگین و گناه پیشه یزید
را نشان می‌دهد و در پایان می‌فرماید: «مِثْلِي
لَا مِثْلِيَع مِثْلَهُ؛ فردی مثل من با کسی مانند او

فرهنگی جامعه مورد توجه قرار گیرد. در مراسم عبادی، مجالس عزاداری ابا عبدالله الحسین علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پس از وقایع عاشورا نه نفر از ائمه بزرگوار علیهم السلام زیسته‌اند و شیعیان بسیاری در زمان آنان بوده‌اند و به عزاداری و بزرگداشت کربلا اهتمام داشته‌اند زیرا این مهم، در روایات بسیاری مورد توجه قرار گرفته است اما گاهی حرکت‌هایی دیده می‌شود که ائمه اطهار علیهم السلام به آن توصیه نکرده و سبب وهن شیعه گردیده است. این حرکتها باید با ظرافت توسط علمای دین شناسایی و به مردم که از علاقه‌مندان اهل بیت هستند گوشزد شود. در اینجا نمونه‌هایی بیان می‌شود.

الف) اشعار یا رفتار باطل

بیان مدح و مرثیه ائمه اطهار بایستی به نحوی با ژرف نگری انجام شود که سخنان باطل به آن راه نیابد همچنین در مراسم تعزیه ابا عبدالله الحسین علیه السلام باید دقت وافر از طرف مسئولین خصوصاً مبلغین عزیز اعمال گردد که ضمن برگزاری با شکوه و گسترده مراسم از راه‌یابی رفتارهای خطا و انحرافی به آن جلوگیری شود؛ گاهی دیده می‌شود که اشعاری خوانده می‌شود و یا رفتارهایی بروز می‌کند که برای هر عالمی

بخش تبیین گردد که در اینجا به هر یک از آن شاخصها به صورت جریان نگاه می‌شود و مواردی به صورت نمونه مطرح می‌گردد.

۱. احیاء ارزشها و یا جاه‌طلبی

امروزه در بسیاری از حرکت‌های اجتماعی به جای دفاع از ارزشهای دینی، جناح بندی و دفاع از جناحها نشسته و به قیمت نابودی ارزشها دنبال می‌شود که این حرکت با خط عاشورا سازگار نیست. اگر برای دستیابی به پست، سمت و ریاست همه چیز قربانی شود این راه یزید، ابن زیاد و عمر سعد است نه امام حسین علیه السلام.

امام حسین علیه السلام رسماً اعلام می‌کند که من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم این حرکت با ترویج منکر و نهی از معروف برای جلب آرای مخالفان دین سازگار نیست.

۲. مبارزه با بدعت نه ترویج بدعت

امام حسین علیه السلام مردم را به کتاب خدا و سنت می‌خواند و علت قیام خود را بی توجهی به کتاب خدا و نابودی سنت و برپاشدن بدعتها می‌شمارد. حال شیعیان آن حضرت باید به این جریان بپیوندند و به احیاء سنت پردازند.

این خیزش و انقلاب ابتداء باید از مراسم دینی آغاز گردد و سپس همه ابعاد

واضح است که مَرْضَى ائمه اطهار علیهم السلام نبوده و اگر در محضر آن بزرگواران چنین رفتاری بروز می‌کرد و یا این چنین اشعاری بیان می‌شد به شدت طرد می‌گردید. همان‌گونه که پیشوایان عزیز ما با صوفیه و یا تفکرات باطل با صراحت مخالفت می‌نمودند.

(ب) عدم دقت در بیان مقاتل

از مسائل مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد بیان دقیق مقتل است به این معنی که اگر مطلبی بیان می‌شود حداقل در یکی از مقاتل نقل شده باشد نه آنکه هر چه گفته می‌شود، مطالبی شنیده شده و بدون مأخذ باشد. زیرا دروغ گفتن از گناهان کبیره است و دروغ بستن به ائمه علیهم السلام اگر در ماه مبارک رمضان انجام شود موجب بطلان روزه است اما با کمال تأسف گاهی در عزاداریها برخی به راحتی مطلب خطائی را به امام علیه السلام نسبت می‌دهند و حرفهایی که در هیچ کتابی نیست با جسارت مطرح می‌کنند.

(ج) بی توجهی به نشر معارف

یکی از فضاهای بسیار مهمی که در طول تاریخ، شیعیان از آن برای نشر معارف دینی استفاده کرده و عموم مردم را از جهت فکری تغذیه کرده‌اند جلسات عزاداری

ابا عبدالله الحسین علیه السلام بوده است در این جلسات مباحث اعتقادی، اخلاقی و احکام شرعی برای مردم بیان می‌شده است لیکن با گذر زمان این مجالس از تبلیغ معارف دینی فاصله گرفته، صرفاً به خواندن اشعار و روضه‌ای اکتفا می‌شود که باید سمت و سوی آن به سوی ترویج علم و معارف دینی و بیان احکام تغییر یافته و عزاداری هم به خوبی برگزار گردد.

(د) طولانی شدن عزاداریها

گاهی عزاداریها بسیار طولانی می‌شود و تنها چند نفر معدود برنامه‌ها را دنبال می‌کنند و بسیاری از عزاداران خسته می‌شوند. و اگر فردی هم اعتراض کند به دشمنی با اهل بیت علیهم السلام متهم می‌شود در حالی که می‌توان گفت گاهی طولانی شدن عزاداریها موجب قضا شدن نماز صبح افراد می‌گردد.

(ه) عدم تبیین اهداف ابا عبدالله

الحسین علیه السلام

در مواردی اهداف قیام کربلا برای مردم تبیین نمی‌شود و یا در صورت بیان اهداف، مصادیق زمان که نمود بارز آن در مبارزه با آمریکا تبلور می‌یابد مشخص نمی‌شود.

(و) روشهای روضه خوانی

برخی از کسانی که روضه می‌خوانند گاهی از شیوه‌ها و دستگاههای موسیقی استفاده می‌کنند که به هیچ وجه مناسب مجالس عزاداری سالار شهیدان کربلا نیست، که امید است با راهنمایی علماء دین، وزانت این مجالس حفظ گردد.

۳. مبارزه با فساد و تباهی

اباعبدالله الحسین علیه السلام از فساد و تباهی گریزان و از سکوت جامعه در برابر فساد خشمگین است. ایشان می‌فرمایند: «اینان فساد را ظاهر کردند و حدود را باطل کردند و شراب خواری نمودند.» و یا در جای دیگر می‌فرمایند: «مگر نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و نسبت به باطل نهی نمی‌گردد.» یعنی مردم از کنار باطل به راحتی می‌گذرند و در این صورت است که امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «هر مؤمن حق است که آرزوی مرگ کند.»

آیا پیروان و شیفتگان امام حسین علیه السلام هنگامی که باطل را می‌بینند و فساد به صورت آشکار رخ می‌دهد نهی از منکر می‌کنند؟ آیا می‌گویند که حق این است، چرا عمل نمی‌شود؟ اگر چنین است بسیار خوب و اگر نیست عاشوراییان باید به خط عاشورا برگردند.

۴. چهره الگوی عزت

امام حسین علیه السلام برای احیاء دین و حق جنگید، جان داد و هرگز زیر بار ذلت نرفت، فرازهایی از سخنان عزت آفرین آن حضرت را بیان کردیم ولی تا چه حد توانسته‌ایم این چهره عزیز را عزتمند معرفی کنیم؟ آن حضرت فرمودند: شما بیش از کشتن نمی‌توانید کاری از پیش ببرید لیکن مجد، عزت و شرف من را نمی‌توانید نابود کنید آیا ترسیمی که از کربلا و بیان وقایع عاشورا می‌شود چهره مردی غیرتمند و عزیز با این شاخص است یا نه اگر چنین نیست باید دانست که عاشورا در خط عاشورا نیست. آیا تا چه حد این پیام در دل پیروان امروزشان جای داده شده است که خط آمریکا با یزید که هر دو از یک آبشخور تغذیه می‌شوند باید طرد گردد. و بر پیروان آن حضرت علیه السلام لازم است مرگ را بر ذلت بردگی آمریکا ترجیح دهند.

من می‌گویم عموم مردم آری، اما برخی از سرکردگان سیاسی مزدور، نه بهترین راه برای معرفی سیاستمداران بازی خورده معرفی چهره عزتمند ابا عبدالله الحسین علیه السلام برای مردم است، آن هم نه یکبار بلکه تبیین این مفاهیم به طور مداوم و مستمر.